

مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی

رسول فرجام^۱، هادی سلیمانی مقدم^۲، اسماعیل چاوشی^۳

چکیده

واژه «شهر اسلامی»، سابقه تاریخی و علمی گسترده و طولانی دارد. تحقیقات فراوانی در این زمینه به ویژه از سوی شرق شناسان غربی صورت پذیرفته است. علت اصلی همه آن مطالعات به تفاوت‌های موجود بین شهرهای غربی و شهرهای واقع در سرزمین‌های اسلامی برمی‌گردد. شرایط اجتماعی و اقتصادی شهر اسلامی و ساخت کالبدی متأثر از آن شرایط از جمله بنیادی‌ترین تضادهایی هستند که در شهر اسلامی و شهرهای هم عصر آن در دنیای غرب به ویژه اروپای غربی، حاکم بوده‌اند. مطالعات گسترده‌ای توسط جغرافیدانان در زمینه ویژگی‌های شهر اسلامی انجام شده است. این تحقیق نیز در راستای مطالعات مذکور، ماهیت شهر اسلامی را از درون متون و تعالیم اسلامی مورد واکاوی قرار داده است. این مقاله تلاش نموده تا به این سؤال کلیدی پاسخ دهد که چرا در خصوص ساختار یک واقعیت پیچیده به اسم شهرهای اسلامی در مقایسه با سایر شهرهای غربی هم عصر خویش، مطالعه و تحقیق به عمل آمده است؟ و دریابد که متون و تعالیم اسلامی چه ویژگی‌هایی را برای یک شهر بر شمرده است. روش تحقیق در این مقاله، روش مروری-فراتحلیلی است. داده‌های مورد استفاده در آن از آن دسته از متون و کتب اسلامی که از سندیت و اعتبار لازم برخوردارند (قرآن و احادیث)، استخراج شده است. محدوده مطالعاتی این مقاله را می‌توان تمامی شهرهای اسلامی دانست. چون هر جا که دین اسلام در آن جاری است، به طور قطع الگوی شهرنشینی و ریخت شناسی شهری نیز، متأثر از آن خواهد بود.

در پایان دریافتیم که در منابع جهان بینی اسلامی، ویژگی‌ها و شرایط خاصی برای یک سکونتگاه انسانی بر شمرده شده است. در واقع دین اسلام بیش از آنکه به دنبال ارائه ساخت کالبدی مشخصی از شهر باشد بیشتر به دنبال مفهوم خاصی از شهرنشینی می‌باشد. مفهومی که عوامل زیر یعنی امنیت فراگیر در تمامی زوایای زیست در یک شهر، آزادی بیان و عقیده، تجلی تعالیم و ارزشهای والای اسلامی در ساخت کالبدی شهر، پایداری و تعامل با محیط زیست، تجارت پاک و سالم و فقدان دروغ و گناه در شهر اسلامی، آن را تعریف می‌نماید.

واژه های کلیدی: شهر اسلامی، شهر و متون اسلامی، سنت و شهر اسلامی، مفهوم اجتماعی شهر.

^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران.

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران.

^۳ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: .goudi.up@gmail.com, ۰۹۱۷۷۰۱۱۳۷۰

بیان مسأله:

هر جهان بینی، فرهنگ منتج از خود را به دنبال دارد. تولیدات و دست ساخته‌های انسان نیز حاصل همان جهان بینی است. دین اسلام به عنوان برترین و آخرین دین الهی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

به طور قطع اگر در شهری از خاور دور تا آندلس در اروپا، شاهد عناصر کالبدی نظیر مناره و مسجد، کاروانسرا، بازار با سلسله مراتب فضایی متأثر از مسجد جامع، حمام‌های عمومی، جدایی قلمروهای خصوصی از قلمروهای عمومی، قلمروهای عمومی با سطوح دسترسی پیچیده اما مملو از نشانه‌های روشن و قابل شناسایی برای مردم و مواردی از این دست باشیم به آن شهر، «شهر اسلامی» خواهیم گفت. این ویژگی کالبدی را می‌توان در تمامی بافت‌های قدیم شهرهای ایران از جمله اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز، یزد، کرمان و ... دید. این ویژگی، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین تفاوت در ساخت اجتماعی و کالبدی شهرهای اسلامی و شهرهای هم عصر خود در دنیای مسیحیت به ویژه اروپای غربی است.

آشکار است که بیشتر مطالعات انجام شده توسط شرق‌شناسان، متأسفانه یک تحلیل درست و ناظر بر شهر اسلامی را از خود برجای نگذاشته‌اند. دلیل این امر را شاید بتوان در عدم شناخت کافی ایشان از مبانی بنیادی دین اسلام و منابع اصلی جهان‌بینی اسلامی دانست. ممکن است، یک شرق شناس غربی، در تحلیل خویش از جوامع و شهرهای اسلامی، از مؤلفه‌های مترتب بر جامعه خویش استفاده کند که نتایج آن به طور قطع شهرها و جوامع اسلامی را آنگونه که هستند، معرفی نخواهد کرد. چراکه شهرهای غربی هم عصر شهرهای اسلامی، عموماً در گذشته از معابر بزرگ و مستقیم، خانه‌های رو به سوی معابر، باراندازهای مستطیلی شکل، کلیسا و فضای عمومی بین آن و میدان اصلی شهر و ... برخوردار بوده‌اند.

آنچه که از این تفاوت‌ها برمی‌آید، یک پرسش فوق‌العاده است که چرا در باب ساختار پیچیده یک واقعیت که شهر اسلامی خوانده می‌شود، این همه متن، نوشته و تحقیق داریم ولی تعداد کتاب‌ها و مقالاتی که درباره شهرهای مسیحی، بودایی، هندویی یا بودایی داریم، بسیار اندک است و یا کنفرانس‌هایی که درباره این شهرها بر گزار شده‌اند بسیار محدود هستند؟ (ابولقد، ۱۳۸۳: ۱۹۱). پاسخ به این سؤال را می‌توان با طرح سؤال دیگری بیان داشت که منابع اسلامی نظیر کتب و سنت، چه ویژگی‌هایی را برای شهر اسلامی برشمرده‌اند و شرایط زیست در شهر اسلامی چگونه باید باشد که این چنین نظر شرق شناسان غربی را به خود جلب نموده‌اند؟

بسیاری از پژوهشگران در پاسخ به این سؤال، به طور صریح و آشکار به نقش دین اسلام و سنت پیامبر در شکل‌گیری ماهیت شهر اسلامی، اشاره دارند (Benninson et al, ۲۰۰۲; Antoniou, ۲۰۰۲؛ شکوئی، ۱۳۷۳؛ ابولقد، ۱۳۸۳؛ گالاتای، ۱۳۸۳؛ دانتون، ۱۳۸۳؛ شی گی یوکی، ۱۳۸۳؛ تو شی یو، ۱۳۸۳؛ ارگنج، ۱۳۸۳). برخی دیگر که عمدتاً متأثر از دیدگاه اجتماعی ماکس وبر می‌باشند. نظیر: ساموئل استرن و لاپیدوس، به رد اتصاف صفت شهر برای مجموعه‌های انسانی واقع در جوامع اسلامی شده‌اند (Boswerth, ۲۰۰۷). برخی دیگر نیز مانند برادران مارکیز و فن گرون بوم با اتکاء بر ویژگی حاکم بر الگوی کالبدی شهر اسلامی و با ارائه یک تحلیل ریخت شناسانه از آن، در مقام پاسخ به آن سؤال برآمده‌اند (Benninson et al, ۲۰۰۷؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۲؛ حبیبی، ۱۳۷۶).

آنچه در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد، بررسی جامع از مفاهیم به کار رفته در متون و سیره اسلامی در ارتباط با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهر است. چرا که مذهب به عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، منشأ ایجاد تفاوت و تباین در مکان‌های گوناگون است (تولایی، ۱۳۸۲). به عبارت بهتر تلاش می‌شود با مراجعه به متون و منابع معتبر اسلامی، نقش دین اسلام و شیوه و سیره پیامبر اکرم (ص) و سایر بزرگان دین را در شکل‌گیری مکان جغرافیایی به اسم شهر و ماهیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نهایتاً شرایط زیست در آن بازشناسی شود. ویژگی‌ها و شرایطی که به طور قطع کالبد و ساختار فیزیکی متأثر از خود را به همراه دارد.

پیشینه تحقیق:

در ارتباط با شهر اسلامی، اظهار نظرهای فراوانی صورت پذیرفته است که طیف وسیعی از پژوهندگان و مورخین متقدم اسلامی نظیر ابن خلدون تا شرق شناسان و مورخین متأخر غربی مانند ماکس وبر را شامل می‌شوند.

فلاسفه اسلامی نظیر فارابی، کتابهایی چند درباره شهر رقم زده‌اند، لکن دغدغه خاطر آنان بیشتر معطوف به آرمان شهر بوده است تا خود شهر. ابن خلدون تنها متفکر اسلامی هم عصر با قرون وسطی است که به طور جدی به مسئله شهر یا مدینه پرداخته است (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲).

فارابی، مدینه فاضله‌ای را توصیف می‌کند که مختصات آن بی‌گمان از متون اسلامی اخذ یا تفسیر شده است. بنابر رأی فارابی، شهر و خانه زمینی باید سایه ملکوت باشد. یعنی او نظام تدوین مدینه فاضله را با نظام تکوینی عالم، متناسب می‌داند. ابن خلدون نیز علی‌رغم مورد توجه قرار دادن شهر، مستقل از دین و آیین مردم، اثرات اعتقادات دینی نظیر باورها، جهان بینی و شیوه زیست را در ساختن شهر مهم می‌داند (منبع پیشین، ص ۱۵۱).

تفاوت‌های آشکاری که بین جهان اسلام و قرون وسطی و نظامات متفاوت اروپای غربی آن عصر وجود داشت موجب شد تا شرق شناسان در اوایل قرن بیستم، علاقه‌مندی خویش به ماهیت جهان اسلام را نشان دهند (۲: ۲۰۰۷، Bennisson et al). اظهار نظرهای صورت پذیرفته از سوی این دسته از شرق شناسان و مورخان عمدتاً غربی، طیف وسیعی از رد کامل تا تأیید کامل از واژه شهر اسلامی را در بر می‌گیرند. در بعضی از مطالعات، اساس اظهار نظرهای به کار رفته از سوی برخی جامعه-شناسان، شرق شناسان و مورخان، بیشتر بر پایه تفاوت‌های شهر اسلامی با شهر غربی بوده است.

آن دسته از محققینی که به رد تعبیر شهر اسلامی می‌پردازند، عمدتاً متأثر از دیدگاه «ماکس وبر» درباره تفاوت شهرها در اسلام و غرب هستند. عقیده کلی وبر این است که تنها در اروپای مسیحی است که شهر به راستی به یک اجتماع شهری یا مجتمع جدا از جامعه بزرگتر تبدیل شده است. به باور او شهر غربی از نظر نظام حقوقی و دادگاه‌های خاص خود، نوع فعالی از انجمن‌ها به شکل اتحادیه‌های صنفی و آزادی حقوقی و سیاسی، از حداقل استقلال و خودمختاری نسبی در مقابل نظام فئودالی برخوردار بودند (دانتون، ۱۳۸۳: ۴۳).

«ساموئل استرن»^۱ در حدود ۴۰ سال پیش بیان داشت که: «شهر اسلامی تقریباً یک مکان عمومی است نه یک مکان به مفهوم و معنی اجتماعی از دیدگاه وبر. اما این جمله واقعیت ندارد، چرا که قبل از اینکه "جنگجویان عرب"^۲ مسلمان در سرزمین‌هایی مثل عراق و مصر در قالب اجتماعات گرد هم آیند، اسلام به یک ایدئولوژی با گرایش شهری قوی پا به عرصه گذاشته بود» (Boswerth, ۲۰۰۷).

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌آید که اظهارات آن دسته از شرق شناسان و محققان که شهر اسلامی را به دلیل عدم شکل‌گیری انجمن‌های صنفی و استقلال حقوقی و سیاسی در آنها، رد می‌کنند، یک تحلیل عجولانه و بعضاً مغرضانه است. تقریباً از دهه ۱۹۴۰ میلادی به این سو، مطالعات زیادی در قالب شرق شناسی، مطالعات خاورمیانه‌ای و مطالعات سرزمین-های عربی-اسلامی به ویژه در شمال آفریقا، از سرزمین‌های اسلامی صورت پذیرفته است. برخی از این مطالعات به بررسی معیارها و مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی-اقتصادی شهرهای اسلامی پرداخته‌اند. بسیاری از تحقیقات و مطالعات انجام شده در این زمینه، به بیان تفاوت‌ها و تضادهای بین شهر اسلامی و شهر غربی از دیدگاه شرق شناسان و مورخان غربی پرداخته‌اند و برای این منظور از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های حاکم بر شهرهای غربی به عنوان شاخص‌های ارزیابی و شناخت شهر اسلامی، استفاده شده است (۲۰۰۷، Bennisson et al؛ ۲۰۰۲، Antoniou؛ ۲۰۰۷، Boswerth؛ ابولقد، ۱۳۸۳؛ دانتون، ۱۳۸۳؛ شی گی یوکی، ۱۳۸۳؛ لاپیدوس، ۱۳۸۳؛ سلطان‌زاده ۱۳۶۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۶). این در حالی است که عموم محققین و پژوهشگران، در زمینه وجود تفاوت در ساختار کالبدی و اجتماعی شهرهای اسلامی و شهرهای غربی، اشتراک نظر دارند.

توجهات اساسی پیرامون مورد قبول واقع شدن الگویی به عنوان شهر اسلامی در طی دهه ۶۰ میلادی آغاز شد. زمانی که «لاپیدوس»^۳ مفاهیم سنتی از شهرنشینی را در کتابی با عنوان "شهرهای مسلمان در دوران میانه اخیر معاصر"^۴ برشمرد. از

^۱-Samuel Stern

^۲ - شاید منظور نویسنده از عبارت Arab Worriers را بتوان عرب بادیه نشین نیز قلمداد نمود.

^۳ - Lapidus

^۴ - Muslim cities in the later middle Ages

این زمان به بعد، مطالعات و تحقیقات پیرامون شهرهای اسلامی، سمت و سوی دیگری به خود گرفت. نتیجه این مطالعات، امکان وجود شهر اسلامی را به طور کامل مورد قبول قرار می‌دهند یا در آن شک می‌کنند. بر اساس مطالعات انجام شده توسط شرق‌شناسان مطرحی چون «برادران مارکیز»^۱ و «فن گرون بوم»^۲، ویژگی تمیز دهنده شهرهای اسلامی از شهرهای غربی عبارتند از: مسجد جامع که در مرکز شهر قرار دارد، یک بازار با سلسله مراتب فضایی مشخص که در آن راسته‌های مهم معنوی نظیر مهر و تسبیح فروشان، شمع و کتاب فروشان و ... در نزدیک‌ترین محل به مسجد جانمایی شده‌اند، یک ارگ حکومتی، مناطق مسکونی درونگرا و یک سیستمی از دیوار و دروازه‌ها (۲: Bennison et al, ۲۰۰۷).

شاید بتوان این سبک از تحلیل شهرهای اسلامی را توصیفی از شکل کالبدی شهرهای خاورمیانه‌ای دانست که محققان آنها در صدد هستند تا به طور ظریفی در ماهیت و روح شهر اسلامی ایجاد شک نمایند. چرا که برآنست تا همه مفهوم شهر اسلامی را در توصیف چند عنصر کالبدی آنهم برگرفته از سبک معماری یک منطقه جغرافیایی خاص، خلاصه نماید.

اما مناظرات اساسی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی و پس از اینکه «جانث ابولقد»^۳ چهارمین مقاله خویش تحت عنوان "شهراسلامی - خیال تاریخی - شالوده اسلامی و رابطه معاصر" را در سال ۱۹۸۷ به چاپ رساند. «نزار السید»^۴ در دو فصل اول کتابش با عنوان "شهرها و خلفا"^۵ در اوایل ۱۹۹۱، موضوع شهرهای اسلامی را از دیدگاه مسائل سیاسی - اجتماعی به بحث گذاشته است. همچنین در تازه‌ترین مطالعه «آندره ریموند»^۶ در مقاله‌ای با عنوان "شهر اسلامی، شهر عربی، خیالات شرق‌شناسان و تازه‌ترین نگاه‌ها"^۷ که در سال ۱۹۹۴ چاپ شده است، موضوع تفاوت‌های شهر اسلامی را دنبال کرده است (۳: Bennison et al, ۲۰۰۷).

علیرغم تفاوت‌های بسیاری که در روش‌شناسی تحقیقات فوق وجود دارد، اما این نویسندگان به طور گسترده‌ای توافق دارند که مسائل اساسی موجود در مورد شناخت شهر اسلامی که در خلال نیمه دوم قرن بیستم صورت پذیرفته است - چه در تفکرات شرق‌شناسان و چه در تاریخ شهر و چه در تمایل به ارائه یک الگوی ریخت‌شناسانه از شهر اسلامی - همه بر پایه مطالعات معدودی است که از شهرهای اسلامی به ویژه شهرهای شمال آفریقا و سوریه انجام شده است (قبلی، ص ۳). برخی دیگر از پژوهشگران، ساختار کالبدی شهرهای اسلامی را دقیق‌تر مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند (نقی - زاده، ۱۳۸۶؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۲؛ حبیبی، ۱۳۷۵؛ Antoniou, ۲۰۰۲؛ تو شی یو، ۱۳۸۳). حتی بعضی از آنها آنقدر در ساختار معابر شهر اسلامی دقیق شده‌اند که هندسی بودن یا متریک بودن معابر مذکور را نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (شی گی یوکی، ۱۳۸۳).

یکی از تازه‌ترین فعالیت‌هایی که به طور جامع در ارتباط با شهرهای اسلامی در ایران، انجام شده است، مجموعه سه جلدی با عنوان «شهرنشینی در اسلام» است (افشاری، ۱۳۸۶). این مجموعه از مقالات ارائه شده به کنفرانس شهرنشینی در اسلام که در ۲۲ اکتبر سال ۱۹۸۹ در توکیو به همت مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو برگزار شد، گردآوری شده است. در این مجموعه می‌توان به خوبی از فرایند تاریخی نگاه به شهرهای اسلامی، ریشه و اساس دیدگاه‌های پژوهشگران متعدد که در مقام رد کامل، تشکیک و قبول کامل تعبیر شهر اسلامی برآمده‌اند، آگاهی یافت.

مطالعات بومی انجام شده پیرامون ماهیت مکانی - فضایی شهر اسلامی، کم نیستند. در این بین مطالعات جغرافیدانان و جامعه‌شناسان، ارزشمندتر به نظر می‌رسند.

^۱ - marcais

^۲ - van Grune baum

^۳ - Janet Abu Laghod

^۴ - Nezar Alsayyad

^۵ - Cities and caliphs

^۶ - Andre Raymond

^۷ - Islamic city, Arab city, Orient lists myths and recent views

نگاه جغرافیدانان، بیشتر بر روی مکانیسم‌های اجتماعی و اقتصادی خاصی نظیر «وقف» و مکانیسم‌های حاصل از آن در شهرها متمرکز شده است. به نظر می‌آید مطالعات این چنینی به دنبال کشف و معرفی مدل خاصی از شهر اسلامی هستند که کمتر در مطالعات شرق شناسان به آن پرداخته شده است (اهلرز، ۱۳۷۳؛ اهلرز، ۱۳۷۴؛ شهابی، ۱۳۸۴؛ ضیاء‌توانا و همکاران، ۱۳۸۹). بخش دیگری از مطالعات بومی که هم به لحاظ روش و هم به لحاظ موضوع به ساختار مقاله پیش‌رو نزدیک ترند، عموماً تأثیر بینش اسلامی در شکل‌گیری پدیده‌های مکانی-جغرافیایی را مورد بررسی قرار داده‌اند (تولایی، ۱۳۸۲؛ خاکرند و همکاران، ۱۳۸۶؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹).

از مجموع مباحث فوق اینگونه برمی‌آید که ماهیت شهر اسلامی و الگوی شهرنشینی در یک سکونتگاه اسلامی از منظر متون و تعالیم اسلامی، از فراوانی کمتری در بین سایر مطالعات موضوعی از شهرهای اسلامی برخوردارند. بنابراین اگر قرار است که به ماهیت اصلی شهر اسلامی پی برده شود، بهتر است که در ابتدا به جستجوی مبانی این تعبیر در کتاب و سنت اسلامی پرداخته شود و پس از مشخص شدن نظر کتاب و سنت در این باره به ارائه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تعریف شهر اسلامی همت شود. مقاله پیش‌رو نیز با همین رویکرد به بررسی دیدگاه اسلام در خصوص شرایط زیست در یک سکونتگاه انسانی پرداخته است و تلاش دارد تا با تفحص در متون مستند و سنت مورد اجماع اسلامی، ماهیت شهر اسلامی یا مفهوم اجتماعی آن را از این منظر مورد واکاوی علمی قرار دهد.

روش تحقیق:

تحقیق پیرامون ریشه‌های واژه شهر اسلامی به طور قطع متأثر از شناخت از ویژگی‌هایی است که در متن جهان‌بینی اسلامی در مورد شهر، به طور کلی‌تر راجع به محیط انسان ساخت و رابطه انسان با محیط، آمده‌اند. بنابراین به منظور ورود به این مبحث از طریق روش کتابخانه‌ای و با مورد هدف قرار دادن سه کلمه قرآنی «بلد، قریه و مدینه» در متون اسلامی، کوشش نموده‌ایم تا نظر و دیدگاه اسلام در خصوص شهر و شرایط زیست در شهر را مشخص کنیم. اینکه چرا این سه کلمه را انتخاب نموده‌ایم بیشتر به این خاطر است که می‌توان آنها را معادل کلمه فارسی شهر دانست و دیگر اینکه در قرآن و احادیث از این سه کلمه به بزرگی و اهمیت یاد شده است. به عنوان مثال خداوند در سوره البلد آیات ۱ و ۲، به شهر قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «قسم به این شهر مقدس (مکه). شهری که تو در آن ساکن هستی». در مورد کلمه قریه در سوره الاعراف آیه ۴ می‌فرماید: «چه بسیار شهرها و آبادیها که آنجا را بر اثر (گناهان فراوانشان) هلاک کردیم و عذاب ما شب هنگام یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند به سراغشان آمد». بنابراین هرگونه تحلیل از شهر اسلامی یا شهرهایی که با اندیشه اسلامی بنا شده‌اند، بستگی به شناخت کامل و کافی از اسلام، جهان‌بینی اسلامی و کتاب و سنت دارد.

روش کار در این پژوهش، روش فراتحلیلی و علمی-مروری است. متون و کتب اسلامی که می‌توانند در این تحقیق مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند، بسیاریند. بنابراین ما در اینجا فقط به بررسی آندسته از منابع پرداخته‌ایم که از سندیت و اعتبار بسیار بیشتری برخوردارند و مورد قبول عموم پژوهشگران قرار دارند. این متون عبارتند از:

۱. قرآن کریم
۲. تفسیر المیزان
۳. تفسیر نمونه
۴. تفسیر جوان
۵. نهج البلاغه
۶. نهج الفصاحه
۷. صحیفه سجادیه
۸. اصول کافی

همچنین به منظور بالا بردن دقت بیشتر و آسان نمودن فرایند تحقیق، از امکانات نرم‌افزاری قرآنی و کتب کشف الآیات به عنوان ابزار تحقیق استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق:

شهر اسلامی از دیدگاه قرآن:

انتخاب شهر مدینه به عنوان مکانی از یک جامعه کامل و شهر مکه به عنوان کانون معنوی اسلام از سوی حضرت محمد(ص)، به شهر یک نقش حیاتی در این دوران می‌دهد که ارتباطی زیبا و ماندگار بین زندگی شهری و رفتار اسلامی برقرار می‌کند (۱: Bennison et al, ۲۰۰۷). این اقدام، نقطه آغازین هرگونه بررسی و تحلیل از شهر اسلامی است. شرایط اجتماعی شهر مدینه در آن زمان و همزمانی ورود مهاجرین به شهر و همزیستی و هماهنگی انصار با این تازه واردین، تعریف ویژه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی شهر اسلامی ارائه می‌دهد. این بدین معنی است که از زمان حضرت محمد(ص)، استواری اسلام ریشه در شهرها داشته است و تمدن اسلامی، ضرورتاً ویژگی شهری فوق را دار بوده است (۱۲-۱۱: Antoniou, ۲۰۰۲).

مشخصه‌های متعددی برای شهرهای اسلامی برشمرده شده‌اند که همه به یک بازه زمانی مشخص از تاریخ آنها یعنی ظهور اسلام و رشد و نمو دین اسلام در این شهرها، مرتبط است. مطالعاتی که از اصفهان در ایران تا فز^۱ در مراکش و بسیاری از شهرهای شمال آفریقا و خاورمیانه، صورت پذیرفته است این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهند (۱۰: Latter, ۲۰۰۲). بنابراین هنگامی که اسلام به یک مذهب برای مردم شهری^۲ تبدیل می‌شد به یک مسجد؛ که به یک مکان خاص اطلاق می‌شد. قلمروهای عمومی که حول مساجد شکل می‌گرفتند از نوعی خلوت‌گزینی اجتماعی برخوردار شدند که به تدریج تبدیل به نیروی قدرتمندی شد که پیرامون زندگی در شهر، متمرکز شد و به تدریج به سمت برآمدن الگوی کالبدی مشخصی از شهر اسلامی شد.

همان‌گونه که در پیشینه تحقیق اشاره نمودیم، اظهار نظرهای متفاوتی در رد، تشکیک و یا قبول واژه شهر اسلامی از سوی مورخان و شرق شناسان غربی صورت پذیرفته است. اختلاف نظرها می‌تواند به دلیل فقدان هم‌زمانی در معانی تعبیر و مصادیق شهر از نقطه نظر جغرافیایی آن باشد. چون همان‌گونه که اشاره شد بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه در محدوده جغرافیایی شمال آفریقا تا سوریه را پوشش می‌داده است.

همچنین اشاره کردیم که جهان بینی، به دنبال خودش فرهنگ انسانی را شکل می‌دهد و فرهنگ انسانی تولیدات مربوط به خود را در پی دارد، از جمله شهر. تحقیق در رابطه با ریشه‌یابی شهر اسلامی نیز از قواعد فوق مستثنی نمی‌باشد. یعنی آگاهی از ویژگی‌های آنها طبق متون و مفاهیم اسلامی ضرورت دارد. به منظور ورود به این مبحث سه کلمه کلیدی « بلد، قریه و مدینه» که از جمله کلمات قرآنی هستند را مورد کاوش و بررسی قرار داده‌ایم. در نهایت مشخص شد که خداوند در قرآن کریم در ۱۴ آیه به کلمه بلد، باز هم در ۱۴ آیه به کلمه مدینه و در ۳۳ آیه به کلمه قریه اشاره نموده است.

اگرچه بخشی از آیات مورد نظر به بیان قصص قرآنی اختصاص داده شده است، ولی این موضوع خود جای بحث دارد که چرا قصص و داستان‌های مورد نظر خداوند عمدتاً در شهرها اتفاق افتاده‌اند؟ با این حال در بین آیات مذکور، آیاتی وجود دارند که به تشریح و تفسیر از روح شهر، مؤلفه‌های مترتب بر یک شهر و چگونگی زندگی در آن می‌پردازند که در ادامه بیشتر به آنها خواهیم پرداخت.

نخستین ویژگی برای شهر اسلامی این است که شهر اسلامی محل عبادت و مرکز نشر و توحید اسلامی است. بنابراین تجلی کالبدی چنین شهری باید در راستای تعالی بخشیدن به ارزشهای اسلامی، شکل گرفته باشد چون که فرد مسلمان در آن ساکن است و نیز نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار - **خانه کعبه** - در شهر ساخته شده است. چنین شهری در نزد خداوند آنقدر اهمیت دارد که خداوند به آن قسم یاد می‌کند. از جمله در آیات ۱ و ۲ از سوره البلد آمده است: «قسم به این شهر مقدس (مکه). شهری که تو در آن ساکن هستی». اصولاً سوگند برای بیان مطلب یا مطالب بسیار به کار می‌رود. در هر سوگندی دو موضوع اهمیت دارد، اول خود موضوع سوگند می‌باشد و دومی چیزی است که به آن سوگند یاد می‌شود.

^۱ - Fez

^۲ - Town People

تفسیر اینگونه است که : سوگند به این شهر مقدس. سنت قرآن در بسیاری از موارد بر این است که بیان حقایق بسیار مهم را با سوگند شروع می‌کند. سوگندهایی که خود نیز سبب حرکت اندیشه و فکر و عقل انسان است. سوگندهایی که ارتباط خاصی با همان مطلب مورد نظر دارد (تفسیر نمونه، جلد ۲۷ : ۷).

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که در ارتباط با شرایط زندگی در یک شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی به میان آمده است، موضوع وجود امنیت در شهر می‌باشد. در قرآن کریم و در آیات متعدد به موضوع وجود امنیت در شهر بارها اشاره شده است. به عنوان مثال در آیه ۳ از سوره التین می‌فرماید: «و قسم به آن شهر امن (مکه)». در تفسیر آمده است، شهر مکه سرزمینی است که حتی در عصر جاهلیت به عنوان منطقه‌ای امن و حرم خدا شمرده می‌شد و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری را نداشت. حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن سرزمین می‌رسیدند در امنیت بودند (تفسیر نمونه، جلد ۲۷ : ۱۴۱). در آیه ۳۵ از سوره ابراهیم می‌فرماید: «زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگهدار» و نیز در آیه ۱۲۶ از سوره بقره می‌فرماید: «و به یاد آورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد، پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آنها که به خداوند و روز بازپسین ایمان آورده‌اند - از ثمرات (گوناگون) روزی ده (ما این دعای ابراهیم را به اجابت رسانیدم و مؤمنان را از انواع برکات بهره‌مند ساختیم) اما به آنها که کافر شدند بهره کمی خواهیم داد. پس به عذاب آتش می‌کشانیم و چه بد سرانجامی دارند». این آیات نشان می‌دهند که نعمت امنیت، نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت او در یک منطقه و برای هر گونه عمران و پیشرفت است. اگر جایی امن نباشد پس قابل سکونت نیز نخواهد بود. هر چند که تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع شده باشند. اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد امنیت است، همه نعمت-هایش را از دست خواهد داد (تفسیر نمونه، جلد ۱۰ : ۳۶۶).

نکته حائز اهمیت دیگری که در تفسیر این آیه آمده این است که حضرت ابراهیم از خداوند دو خواسته دارد یکی امن قراردادن شهر مکه، دیگری بهره‌مند ساختن مؤمنان از ثمرات گوناگون موجود در این شهر. به خاطر بیاورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و... خداوند این شهر را یک کانون امن و امان قرار داد و امنیتی از نظر ظاهر و باطن به آن بخشید (تفسیر نمونه، جلد ۱ : ۴۵۱).

از مطالب فوق چنین برمی‌آید که وجود امنیت در شهرها، مسئله بسیار مهمی است که حضرت ابراهیم (ع) آن را از خدا درخواست می‌کند. پس امنیت موضوعی است که در روح (زندگی سیاسی اجتماعی و اقتصادی) و کالبد شهر اسلامی باید وجود داشته باشد. همچنین می‌توان دریافت که دین اسلام به زندگی توأم با امنیت انسان در شهر تأکید ویژه دارد که آن را در قالب درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند، بیان می‌کند.

در ارتباط با مسئله وجود امنیت در شهر، نیز می‌توان به آیه ۱۱۲ از سوره مبارکه نحل نیز اشاره نمود. در این آیه سه صفت برای قریه مورد مثل ذکر می‌کند. هر قریه‌ای که امنیت داشت و از هجوم اشرار و غارتگران و چپاول اموال در امان بود همچنین از هجوم حوادث طبیعی از قبیل زلزله و سیل و امثال آن ایمن شد مردمش اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند و دیگر مجبور نمی‌شوند که جلای وطن نموده متفرق شوند و از کمال اطمینان صفت سوم پدید می‌آید و آن این است که رزق آن قریه فراوان و ارزان می‌شود، چون از همه قراء و شهرستانهای اطراف، آذوقه بدانجا حمل می‌شود و... (تفسیرالمیزان، جلد ۱۲ : ۵۲۲).

در دین اسلام، شهر در نزد خداوند دارای حرمت، کرامت و اعتبار است چراکه شهر اسلامی در واقع محل اسکان و زندگی فرد مسلمان خواهد بود. برای این منظور در آیه ۹۱ از سوره النمل می‌فرماید: «(بگو) من مأمورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشید و همه چیز از آن اوست و من مأمورم از مسلمین باشم». در تفسیر آیه فوق آمده است که من مأمورم پروردگار این شهر را عبادت کنم. این شهر مقدسی که تمام افتخارات شما و موجودیت شما در آن خلاصه می‌شود. شهر مقدسی که خدا آن را با برکاتش به شما ارزانی داشته است (تفسیر نمونه، جلد ۱۵ : ۵۷۱)؛ تفسیر جوان، جلد ۱۵ : ۳۸۵).

خداوند در آیه فوق سخن از حرمت بخشیدن به شهر می‌کند. حرمتی که با فرد مسلمان به آن داده می‌شود چرا که خداوند به پیامبر امر می‌کند که بگو من مأمورم از مسلمین باشم در واقع پیامبر را به عنوان یک فرد مسلمان در شهر مکه قلمداد می‌کند که می‌بایست خالق آن شهر را پرستش کند.

همچنین خداوند در این آیه افتخارات و موجودیت انسان را به شهری منوط می‌کند که وی به ایشان ارزانی داشته است. اگر بتوان از عبارت افتخارات و موجودیت، هویت را استنباط نمود، آن وقت می‌توان نتیجه گرفت که شهر اسلامی دارای هویت است، هویتی که مسلمان ساکن در شهر به آن می‌دهد. همانگونه که می‌فرماید: «من مأمورم از مسلمین باشم».

شهر از دیدگاه دین اسلام، مکانی پر جنب و جوش و کانون فعالی از حیات و زندگی محسوب می‌شود. بدین معنی که در هر شهری، مردم می‌بایست که دائماً در حال کار و تلاش باشند. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که خداوند از آن به عنوان نشانه-ای برای اثبات وجود خویش و روز رستاخیز استفاده نموده است. برای همین در آیات ۵۷ و ۵۸ سوره الاعراف می‌فرماید: «او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا زمانی که ابرهای سنگین را (بر دوش خویش) حمل می‌کنند و در این هنگام آنها را به سوی سرزمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله آن آب (حیات بخش) نازل می‌کنیم و با آن از هر گونه میوه‌ای بیرون می‌آوریم و این گونه مردگان را زنده می‌کنیم تا متذکر شوید و سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید اما سرزمین بد طینت و شوره‌زار جز گیاه ناچیز و بی ارزش در آنها نمی‌روید اینگونه آیات را برای آنان که شکر گزارند بیان می‌کنیم».

در تفسیر آیات فوق آمده است که: ... خداوند برای شناسایی خویش و هم برای معرفی و توجه به امر معاد از طریق اسرار آفرینش موجودات این عالم، استدلال می‌کند. نخست می‌گوید: او کسی است که باران رحمتش... زمینی را که در خشکی می‌سوخ و شباهت کامل به منظره یک گورستان خاموش و خشک داشت را به کانون فعالی از حیات و زندگی تبدیل می‌کند (تفسیر نمونه، جلد ۶: ۲۱۳-۲۱۶).

آنچه که از تفسیر آیات فوق برمی‌آید این است که خداوند به وسیله باران و بارش آن در اراضی با قابلیت و مستعد، کانون-های فعالی از حیات و زندگی را به وجود می‌آورد که همان شهرها می‌باشند و از این فرایند شکل‌گیری شهر به عنوان یک کانون فعال زندگی، استفاده می‌نماید و آن را نشانی بر حقانیت خویش و روز رستاخیز می‌شمارد. بنابراین اوج جهان‌بینی اسلامی در نگاه به شهر به عنوان پدیده‌ای که به اثبات وجود خداوند و روز معاد کمک می‌کند را می‌توان در آیات فوق مشاهده نمود. نتیجه: شهر نشانی است بر اثبات وجود خدا و روز رستاخیز. برای این منظور می‌توان به آیه ۹ از سوره فاطر نیز اشاره نمود که می‌فرماید: «خداوند آن کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند با این ابرها را به سوی سرزمین‌های مرده می‌رانیم و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش زنده می‌کنیم رستاخیز نیز همین گونه است».

انسان‌ها گرایش به زندگی جمعی دارند و عینی‌ترین نمود این گرایش را می‌توان در شهرها دید. مردمانی که در شهرها و روستاها گرد هم می‌آیند نیازمند دسترسی به خدمات و امکانات زیربنایی نظیر آب و برق و ... می‌باشند. این موضوع آنقدر در دین اسلام اهمیت دارد که در قرآن کریم و در آیه ۴۹ از سوره مبارکه الفرقان به آن اشاره شده است. در این آیه آمده است: «تا به وسیله آن، سرزمین مرده را زنده کنیم و آن را برای نوشیدن در اختیار مخلوقاتی که آفریده‌ایم - انسان‌های بسیار و چهارپایان - بگذاریم». در آیه مذکور خداوند به انسان‌های بسیار اشاره می‌کند. انسان‌هایی که برای زندگی نیازمند آب پاکیزه و تمیز می‌باشند. در تفسیر آیه آمده است که: استسقاء به معنی آماده ساختن و در اختیار گذاردن آب است که هر موقع انسان اراده کند خود از آن بنوشد در حالی که ماده سقی که در متن عربی آیه فوق آمده است به معنی آن است که ظرف آب را به دست کسی بدهند تا بنوشد (تفسیر نمونه، جلد ۵: ۱۱۸). می‌توان این گونه تحلیل کرد که برای انسان‌هایی که به صورت انبوه در کنار هم زندگی می‌کنند دسترسی به آب پاکیزه و سایر خدمات زیربنایی از ضروری‌ترین موارد است. این آب و خدمات باید به گونه‌ای در اختیار مردم قرار گیرند که دسترسی به آنها بسیار سهل و آسان صورت پذیرد یا به تعبیری در ظرف باشد.

از دیگر ویژگی‌هایی که در متون اسلامی برای شهر به آنها اشاره شده است، می‌توان به عمران و آبادانی بسیار، وجود طرح‌ها و برنامه‌های لازم برای جلوگیری از بروز آفات و بلایای طبیعی، محیط زیست سالم و پایدار و وجود هوای پاک و تمیز و در نهایت

فقدان فاصله طبقاتی در شهر اشاره نمود. توجه به موارد فوق را می‌توان در آیه ۱۵ از سوره سباء مشاهده نمود. در ترجمه آیه آمده است: «برای قوم سباء در محل سکونت شان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود، دو باغ (عظیم و گسترده) از راست و چپ (با میوه‌های فراوان)، به آنها گفتیم از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجای آورید. شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)».

همچنین در تفسیر آیه این چنین آمده است که عمران و آبادی شهر سباء به وسیله احداث سد و انتقال آب آن به شهر برای قوم سباء، نشانه‌ای از قدرت الهی بود. علاوه بر همه این‌ها امنیت فوق العاده‌ای بر آن سرزمین سایه افکنده بود که آن خود نیز از آیات حق محسوب می‌شود. «... شهری است پاکیزه و پروردگاری آمرزنده و مهربان». این جمله کوتاه مجموعه نعمت‌های مادی و معنوی را به زیباترین وجهی منعکس ساخته است. از نظر نعمت‌های مادی سرزمینی پاک و پاکیزه داشتند. پاک از آلودگی‌های گوناگون، از دزدان و ظالمان، از آفات و بلاها، از خشکسالی و قحطی، از ناامنی و وحشت و حتی گفته می‌شود از حشرات موذی نیز پاک بود هوایی پاک و نسیمی فرح افزا داشت (تفسیر نمونه، جلد ۱۸: ۵۸). در ادامه تفسیر این آیه آمده است که آنها از خدا روی گردان شدند، نعمت‌های خدا را ناچیز شمردند عمران و آبادی و امنیت را ساده انگاشتند ... اغنیا بر تهیدستان فخر فروشی کردند و آنها را مزاحم حال خویش پنداشتند (تفسیر نمونه، جلد ۱۸: ۵۹). آنچه از تفاسیر فوق برمی‌آید این است که در شهر اسلامی، فاصله طبقاتی نباید وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی و سیاسی باید در شهر گسترانیده باشد. نکته حائز اهمیت در تفاسیر فوق این است که چنانچه در شهری این ویژگی‌ها وجود داشته باشند، آن ویژگی‌ها از نشانه‌ها و آیات الهی محسوب می‌شوند.

از دیگر مشخصه‌های مهم دیگری که در خصوص چگونگی شهر اسلامی به آن اشاره شده است، بحث نوع معیشت و چگونگی کسب و کار و تجارت در شهر است. در متون اسلامی آمده است که شهر محل کسب و کار است و شهر اسلامی به طور قطع محل کسب و کار حلال و به شهروندان نیز توصیه می‌شود که از معامله و خرید از کسانی که کسب و کار حلال ندارند، بپرهیزند. برای این منظور، خداوند در آیه ۱۹ از سوره کهف می‌فرماید: «این گونه آنها را از خواب برانگیختیم ... اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارد. مقداری از آن ...». تفسیر چنین می‌گوید که... سکه نقره‌ای را که با خود دارید به دست یکی از نفرات خود بدهید و او را به شهر بفرستید تا برود و ببیند کدامین فروشنده غذای پاکتری دارد (تفسیر نمونه، جلد ۱۲ ص ۳۷۴). نکته‌ای که در این تفسیر آمده است اشاره - ای است که آیه مذکور به پاک‌ترین طعام می‌کند. اصحاب کهف می‌دانستند در آن شهر افرادی هستند که گوشت‌های آلوده و احياناً مردار می‌فروشدند و یا بعضی از آنها کسب و کارشان اصولاً آلوده به حرام بوده است (تفسیر نمونه، جلد ۱۲: ۳۷۵).

وجود آزادی بیان و عقیده از دیگر مشخصه‌های یک شهر اسلامی است. این موضوع ریشه در آیات متقن و صریحی چون «لا إکراه فی الدین» دارد و یا آیه ۷۵ از سوره نساء که می‌فرماید: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده) که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود یار و یابری برای ما تعیین فرما».

در تفسیر این آیه به چهار نکته اشاره شده است که یکی از آنها یعنی «زندگی در محیط آزاد» مورد توجه است. مهم‌ترین نکته‌ای که در این قسمت باید به آن پرداخت، شرح تفسیر نمونه از نکته دوم مندرج در آیه فوق است. در این تفسیر آمده است که از نظر اسلام محیطی قابل زیست است که بتوان در آن آزادانه به عقیده صحیح خود عمل نمود اما محیطی که خفقان آن را فرا گرفته و حتی انسان آزاد نیست که بگوید مسلمانم، قابل زیست نمی‌باشد و افراد با ایمان آرزو می‌کنند که از چنین محیطی خارج شوند زیرا چنین محیطی مرکز فعالیت ستمگران است (تفسیر نمونه، جلد ۴: ۱۱). در نتیجه شهر اسلامی باید از محیطی آزاد برخوردار باشد. این آزادی باید به گونه‌ای باشد که هر شهروندی بتواند آزادانه عقیده صحیح خویش را بیان نماید و به آن رفتار نماید.

شهر از نگاه احادیث و روایات:

در ارتباط با تعبیر شهر اسلامی، احادیث فراوانی نقل شده‌اند. در سنت نیز به طور عملی در این باره رفتارهایی انجام و احکام مسلمی صادر شده است.

در ارتباط با سنت می‌بینیم که پیامبر اسلام (ص) هنگامی که به یثرب وارد می‌شوند، نام آن را به مدینه النبی تغییر می‌دهند. صفتی که از این پس مترادف با اسلامی بودن آن شهر قلمداد می‌شود. همچنین پیامبر (ص) نخستین عمل کالبدی یعنی تعیین مکان و ساخت مسجد را انجام می‌دهند. از آنجایی که ایشان مکه را به عنوان «کانون توحید» دین اسلام معرفی می‌نمایند. ایشان برای مدینه نقش دیگری قائل می‌شوند و از طریق عقد پیمان برادری بین اهل مدینه - انصار و مجاهدین - آن شهر را به عنوان یک اجتماع کامل معرفی می‌نمایند. به عبارت بهتر ایشان روح و هویت شهر اسلامی که چیزی فراتر از کالبد می‌باشد را مطرح می‌کنند. وی در طول اقامت خود در مدینه دستورات و مقرراتی همچون قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده عدالت و امثال آن را مطرح می‌کنند و روابط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط طبیعی و مصنوعشان را تنظیم می‌نمایند.

پیامبر در حدیثی می‌فرماید: چهار چیز نشان خوشبختی مرد است؛ زنش پارسا باشد، فرزندانش نیکوکار، معاشرانش صالح باشند و روزی خویش را در شهر خود به دست آورد (پاینده، ۱۳۸۶: ۲۰۴). به نظر می‌رسد در این حدیث به خودکفایی شهرها توجه شده، همچنین بحث آسایش افراد و خانواده‌ها در پرتوی نزدیکی محل کار و سکونت افراد قید شده است.

حضرت علی (ع) نیز بنا به ضرورت در مورد موضوعات گوناگون مرتبط با شهر و محیط زندگی و ساختمان، نکات مناسب و لازم را به اصحاب و یارانش متذکر می‌گردد که اوج آن در نامه به مالک اشتر است: «این فرمانی است از بنده خدا امیرالمؤمنین به مالک بن حارث اشتر در پیمانی که با او می‌بندد و او را به فرمانروایی مصر برگزید و دستور داد تا مالیاتهای آن را جمع کند و با دشمنانش جهاد نماید و به اصلاح اهلس بر خیزد و شهرهایش را آباد سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۴۴).

حضرت علی در عین توجه به آبادانی، به جنبه‌های معنوی توجه دارند و می‌فرمایند: مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تواند، یا انسانهایی مانند تو... (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۳۵).

امام در فراض دیگری از نامه ۵۳ می‌فرماید: «برای استوار کردن کار شهرهایت و برقراری آنچه مردم قبل از تو بر آن قرار داشتند با حکیمان، فراوان گفتگو و مشورت کن. همچنین در ادامه می‌فرمایند: باید توجه تو به آبادانی زمین بیش از گرفتن خراج باشد زیرا با آبادانی زمین است که خراج به دست می‌آید و کسی که متوجه به آبادانی نباشد و تنها خراج طلبد موجب ویرانی شهرها خواهد بود و بندگان را نابود می‌کند و کارش جز اندکی استوار نشود... شایسته است که در گرفتن خراج به آنها سخت‌گیری؛ زیرا که با این شیوه آنها را دلگرم می‌کنی تا بیش از پیش در آبادانی شهرهایت و آراستن ولایتت به تو کمک کنند و به خاطر عدالتی که درباره آنها روا داشتی به خودت و دستگاه حکومتت خوش بین خواهند شد. اگر شهرها آباد باشند هر چه گویی انجام دهند و زمین جز با تنگدستی ساکنانش ویران نشود و ساکنانش تنگدست نشوند مگر با روی آوردن حکام به جمع‌آوری مال و بی‌اطمینانی از ماندن خود و کمتر سود بردن از آنچه مایه عبرت است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۴۳).

دیگر بزرگان دین نیز در باب شیوه زیست در شهرهای سرزمین‌های اسلامی، مطالبی را بیان داشته‌اند. از جمله از امام صادق (ع) نقل شده است که «صله رحم و خوش رفتاری با همسایه شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند» (اصول کافی، جلد ۳: ۲۲۳). امام سجاد (ع) نیز می‌فرماید: «نیکبختی مرد در این است که تجارتش در شهر خودش باشد و کسانی که با وی آمیزش دارند، صالح و نیکوکار باشند و ...» (خصال، باب الثلاثه و سفینه، ماده تجر). این بزرگوار در صحیفه سجادیه و در قالب دعا‌های خاصی، شهرهای اسلامی را که محل زندگی مسلمانان می‌باشد را مورد تفقد قرار داده‌اند. به عنوان مثال می‌فرمایند: «بار خدایا، بر ما بارانی فرست که به آن از تپه‌ها، آب سرازیر گردانی و چاه‌ها را لبریز کنی و نهرها را روان سازی و درختان را برویانی و قیمت‌ها را در همه شهرها ارزان کنی» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۹: ۱۰۷). «خدایا قدرت و تدبیر مسلمانان را قوت بخش و شهرهایشان را استوار کن و اموالشان را فروزی بخش» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷: ۱۵۲). وی نیز می‌فرماید: «خداوندا تو در هر زمان دینت را به سبب رهبری بر حق تأیید کردی و او را نشانه‌ای برای بندگان و مشعلی فروزان در شهرهایت به پاداشتی» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷: ۱۵۳).

همان‌طور که در فرازهای دعای امام سجاد ملاحظه فرمودید ایشان شهرها را به خدا منتسب کردند. همچنین به مسأله امنیت در شهرها و بحث معنویت در شهرها اشاراتی داشتند و در ادامه به نوعی اهمیت دسترسی شهرها به منابع آب را متذکر شدند و یا در این فرائض آخری، شهر را نشانه‌ای از خدا برای بندگان می‌دانند و آن را مکانی برای نشر و گسترش دین اسلام، معرفی می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

اطلاق صفت اسلامی به اشیاء و تولیدات ساخته دست انسان مسلمان زمانی میسر است که آن شیء یا تولید خاص - در اینجا شهر - بر اساس تعالیم اسلامی ساخته شده باشد. به گونه‌ای که هدف از ساخت و تولید آن شیء این باشد که در خدمت اسلام و ارزشهای اسلامی و در راستای تعالی بخشیدن به آنها باشد.

با این توضیحات مشخص می‌شود که انتساب صفت اسلامی به شهر نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. از این‌رو شهر اسلامی که به طور قطع ساخته دست فرد مسلمان و یا محل اسکان وی می‌باشد؛ باید تجلی‌گاه و یادآور ارزشهای اسلامی باشد. همچنین این فضای کالبدی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بایست در عین پاسخگویی به نیازهای مادی شهروندان، آنها را بیشتر به سوی ارزشهای اسلامی هدایت نماید.

پیشتر در متن مقاله این سؤال کلیدی مطرح شد که منابع اسلامی نظیر کتب و سنت، چه ویژگی‌هایی را برای شهر اسلامی برشمرده‌اند و شرایط زیست در شهر اسلامی چگونه باید باشد که این چنین نظر شرق‌شناسان غربی را به خود جلب نموده‌اند؟ برای پاسخگویی به سؤال فوق به دنبال شناسایی مصادیق و ویژگی‌های شهر یا محیط زندگی از منظر اسلام در آیات قرآن کریم و بررسی سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) جستجو شد.

در ارتباط با جستجو و کاوش در آیات قرآنی دریافتیم که خداوند مجموعاً در ۶۱ آیه به سه کلمه بلد، مدینه و قریه اشاره داشته است. در این میان نزدیک به ۱۷ آیه به طور مستقیم به تشریح شرایط زندگی در شهر و ویژگی‌های شهر پرداخته‌اند و مابقی نیز به تعریف و تفسیر داستان‌های قرآنی اختصاص دارند که عموماً در شهرهای پیامبران و رسولان پیشین رخ داده‌اند. از دیدگاه سنت نیز می‌بینیم که توجه به روح و شرایط زیست در شهر اسلامی در کانون رفتار بزرگان دین قرار دارد. پیامبر اسلام (ص) در یک جامعه شهری، بعثت خویش را به جهانیان اعلام می‌دارند و برای این منظور، شهر مکه را به عنوان «کانون توحید» این دین معرفی می‌نمایند. از طرف دیگر ایشان با اقامت در مدینه و از طریق تنظیم یک سری قواعد، آن شهر را به عنوان نمادی از یک «اجتماع کامل اسلامی» معرفی می‌کند. ایشان با ساخت اولین عنصر کالبدی شهر یعنی مسجد، عقد پیمان برادری بین مهاجرین و انصار و تنظیم و تدوین قوانین خاص نظیر قواعد لاضرر، لا اتلاف و ...، به تعریف الگوی خاصی از شهرنشینی مورد نظر اسلام پرداختند. به عبارت بهتر دو شهر مکه و مدینه اصلی‌ترین مکان‌هایی بودند که استواری و نمو دین اسلام در آنجا آغاز می‌شود. بنابراین می‌توان با جرأت بیشتری نسبت به قبل بیان داشت که اسلام دینی است که در شهر ظهور می‌کند و استواری و رشد خویش را در شهرها می‌یابد.

آنچه که از بین آیات و سیره فوق در راستای برشمردن مصادیق و ویژگی‌های شهر از دیدگاه قرآن به آن دست یافتیم این است که اسلام بیش از آنکه به کالبد شهر پردازد، روح و شرایط زندگی در یک اجتماع انسانی را مد نظر قرار می‌دهد که البته برآیند کالبدی آن شهرها خواهند بود. این شرایط و ویژگی‌ها را در قالب راهبردها و دستورالعمل‌های مندرج در جدول زیر دسته‌بندی می‌شوند:

جدول ۱، شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهر اسلامی

شرایط یا راهبردها	وجوه
۱. امن بودن شهر و بهره مند بودن شهروندان از ثمرات اجتماعی اقتصادی گوناگون موجود در شهر . ۲. شهر اسلامی دارای روح اجتماعی است که حاصل اسکان فرد مسلمان در خود است. ۳. ساختار اجتماعی شهر اسلامی باید دو عنصر امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی (فقدان فاصله طبقاتی) را در بر داشته باشد. ۴. شهر اسلامی کانون عبادت و مرکز نشر و توحید اسلامی و نشانه ای از یک اجتماع کامل است. ۵. شهر اسلامی دارای نظم، هدف و زیبایی است.	اجتماعی
۱. شهر اسلامی، مکانی است آزاد و برخوردار از آزادی بیان، اندیشه و عمل صحیح. ۲. شهر اسلامی مکانی است که در آن حرمت، هویت و شرافت شهروند مورد محافظت قرار می گیرد.	سیاسی
۱. شهر اسلامی محل تجارت و کسب و کار پاک و حلال است. ۲. شهر اسلامی کانونی است از حیات، زندگی پر شور، عمران و آبادانی که خود نشانی است بر اثبات وجود خدا و روز رستاخیز. ۳. در شهر اسلامی، خدمات زیربنایی و امکانات مورد نیاز شهروندان می بایست به پاکیزه ترین و آسان ترین شکلش در دسترس شهروندان باشند. ۴. شهر اسلامی شهری پایدار و در تعامل کامل با محیط زیست است چرا که پاکترین و تمیزترین خدمات مورد نیاز برای یک زندگی شهری باید در آن موجود باشد. ۵. کالبد شهر اسلامی و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن باید به گونه ای باشد که ساکنانش را هرچه بیشتر به سوی تعالی و ارزشهای اسلامی سوق دهد.	اقتصادی و زیربنایی

منبع: مطالعات کتابخانه ای نویسندگان، ۱۳۹۰.

در نهایت کلیدی ترین کلمات و عباراتی که می توان از مباحث فوق بیرون کشید عبارتند از: کانون نشر و توحید اسلامی، اجتماع کامل، امنیت فراگیر، حرمت، هویت، روح اسلامی، توسعه و عمران، آزادی، وجود امکانات و خدمات، تجارت پاک و سالم، پایداری و تعامل با محیط زیست، کالبد همسو تعالیم و ارزشهای اسلامی.

با آگاهی و شناخت کامل از مفاهیم اسلامی فوق است که می توان از این پس در جهت تحلیل معمارانه و شهرسازانه از شهر اسلامی قدمهای آگاهانه تری برداشت. در حقیقت شهرسازی و معماری اسلامی با نوع جهان بینی و فرهنگ اسلامی تطابق و همسازی دارد. به عبارت بهتر فرد مسلمان با رجوع به جهان بینی و فرهنگ خویش، چگونه زیستن را می آموزد و بدیهی است که در این راه، فضای زندگی وی باید با روش زیستی که اسلام تعریف می نماید، هماهنگ باشد. با چنین شناختی از ماهیت شهر و شهرنشینی در اسلام است که می توان ویژگی کالبدی قلمروهای خصوصی و عمومی را در شهر اسلامی تجزیه و تحلیل نمود. همچنین با تأثیرپذیری از تعالیم فوق است که بازار و نظام سلسله مراتبی حاکم بر آن، در شهر اسلامی، ویژگی های خود را پیدا می کند که البته بسیار متفاوت با بازارهای غربی است.

بنابراین؛ اگر محقق از دیدگاه اسلام به شهر و شهرنشینی آگاه نباشد، نظام و قواعد حاکم بر معابر شهر اسلامی را نخواهد فهمید و آنجاست که وی ویژگی عینی معابر آن شهر را پیچ در پیچ و گیج کننده توصیف خواهند نمود. از این رو، پیشنهاد می - شود که پژوهشگران علاقه مند به نقد یا توصیف شهر اسلامی، قبل از هرگونه مطالعه ای ابتدا شناخت خویش را از دیدگاه اسلام به شهر و شهرنشینی کامل کنند تا بتواند تحلیلی دقیقتر و واقعی تر از شهرهای اسلامی ارائه دهند.

منابع:

۱. آقا میرزایی، ناهید (۱۳۷۹): ترجمه نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹، انتشارات بهزاد، چاپ اول، تهران.
۲. ابولقد، جی (۱۳۸۶): «شهر اسلامی چگونه شهری است؟»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه: مهدی افشار، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۲۱۲ - ۱۹۰.
۳. انصاریان، حسن (۱۳۷۶): صحیفه کامله سجادیه امام زین العابدین، انتشارات پیام آزادی، چاپ چهارم، قم.
۴. اهلرزی، اکارت (۱۳۷۳): «شهر شرق اسلامی، مدل یا واقعیت»، تحریریه جدید از محمدحسن ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، مشهد، صص ۶۵ - ۲۷.
۵. اهلرزی، اکارت (۱۳۷۴): «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی»، ترجمه: مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاء توانا، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲، تهران، صص ۵۳ - ۴۹.
۱. بیستونی، محمد (۱۳۸۱): تفسیر جوان، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، قم.
۲. پاینده، الف (۱۳۸۶): نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، تهران.
۳. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹): «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲، تهران، صص ۱۱ - ۱.
۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶): ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
۵. توشی یو، کی (۱۳۸۶): «زندگی خصوصی در اسلام»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه ای توکیو، ترجمه: مهدی افشاری، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۳۰۱ - ۲۸۸.
۶. تولایی، نسرین (۱۳۸۲): «نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۶۹، مشهد، صص ۷۳ - ۶۲.
۷. ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی،
۸. جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۸): ترجمه نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران.
۹. حبیبی، محسن (۱۳۷۵): از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۰. خاکرند، شکراله، منتظرالقائم، اصغر و محمدعلی چلونگر (۱۳۸۶): «پیامبر اسلام (ص) و جهان بینی تمدن‌سازدینی»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۲۲، شیراز، صص ۱۲۴ - ۱۰۱.
۱۱. دانتون، ام (۱۳۸۶): «مفهوم اجتماعی مکان»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۷۰ - ۴۱.
۱۲. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸): بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، مشهد.
۱۳. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۲): روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.
۱۴. شکوئی، حسین (۱۳۷۳): دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۵. شهبایی، محمدرضا (۱۳۸۳): «مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۷۲، مشهد، صص ۱۵۰ - ۱۳۵.
۱۶. شیخ صدوق (): خصال، ترجمه محمد باقر کهمره‌ای، نشر کتابچی، تهران.

۱۷. شی گی یوکی، کی (۱۳۸۶): «تحقیقی در زمینه نحوه تردد عابران پیاده در شبکه ارتباطی قرن هجدهم قاهره»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۲۸۷ - ۲۶۱.
۱۸. طباطبایی س (۱۳۷۶): تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم، تهران.
۱۹. ضیاءتوانا، محمدحسن و علی شمس‌الدینی (بهار ۱۳۸۹): «نقش فرهنگ وقف در برپایی شهرها و روستاها، مطالعه موردی: شهرستان ممسنی»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۱، تهران، صص ۱۴۳ - ۱۲۱.
۲۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۷): انسان شناسی شهری، نشر نی، چاپ پنجم، تهران.
۲۱. قرآن کریم، ترجمه: الهی قمشه‌ای، سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
۲۲. گالاتای، الف (۱۳۸۶): «کلانشهرها و هویت اسلامی در جستجوی بقا»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۴۰ - ۱۳.
۲۳. لاپیدوس، آی (۱۳۸۶): «روش‌های سیاسی در جوامع خاورمیانه»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۱۳۳ - ۱۶۲.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۶): تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم.
۲۵. نرم افزار قرآنی حکیم رضوان، شرکت میثاق نوین، تهران.
۲۶. نصر، سیدحسین (۱۳۸۵): دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاء الله رحمتی، نشر آگه، چاپ اول، تهران.
۲۷. یاسوفومی، کی (۱۳۸۶): «شبکه‌های خیابانی و فضاهای باز در شهرهای اسلامی»، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، صص ۳۲۴ - ۳۰۲.
۲۸. Akkach. S (۲۰۰۵): *Cosmology and Architecture in Pre-modern Islam; an Architecture Reading of Mystical Ideas*, Suny series in Islam. Edited by Seyyed Hossein Nasr. State University of New York Press.
۲۹. Amira K. Bennison and Alison L. Gascoigne (۲۰۰۷): *Cities in the Pre-modern Islamic World: the urban impact of religion state and society*. Routledge . Taylor & Francis Group, LONDON and NEWYORK.
۳۰. Bosworth C Edmond, (۲۰۰۷): *Historic Cities of the Islamic World* . Brill . Netherlands.
۳۱. Antoniou, J (۲۰۰۲): *Historic Cairo: a walk trough the Islamic city* .American University in Cairo .Egypt.
۳۲. www. Misagh Novin. Com.